خبرها

پذیرش نهایی چهار شرکت دولتی

ایسنا: سهام چهار شرکت دولتی مشمول اصل ۴۴ قانون اساسی آماده واگذاری در بورس است که ظرف یک هفته تا ۱۰ روز آینده ورود آنها به بورس نهایی خواهد شد. سیدمهدی عقدایی معاون واگذاری سازمان خصوصی سازی به جلسات متعدد سازمان خصوصی سازی با بورس در راستای تسریع در پذیرش شرکت ها در بورس اشاره کرد و گفت: اولویت اول برای ورود به بورس، سازمان گسترش، فولاد مبارکه، فولاد خوزستان و شرکت کشتیرانی است که شرایط پذیرش آنها برای ورود به بورس بهتر از سایر شرکت ها است. وی با اشاره به این که چهار شرکت که در راستای اصل ۴۴ آماده واگذاری در بورس هستند هنوز نهایی نشده است، اما پذیرش نهایی آنها ظرف یک هفته تا ۱۰ روز آینده اعلام خواهد شد، گفت: کارها از سوی سازمان خصوصی سازی انجام شده، اما حال باید دید بورس در این زمینه چگونه اقدامات لازم را انجام خواهد داد. عقدایی در پاسخ به این پرسش که به غیر از سهام چهار شرکت شرکت های دیگری آماده واگذاری هستند، اظهار کرد: ستاد باید تشکیل شده و اسامی را مشخص کند. در حال حاضر اسامی مشخص نشده و معلوم نیست که احتیاج به قانون داشته باشد یا خیر؟ او ادامه داد: ۲۰ درصد از سهام شرکت ها دولتی بوده و از ۸۰ درصد باقی مانده ۴۰ درصد در قالب سهام عدالت و پنج درصد در قالب سهام ترجیحی به مدیران و کارکنان شرکت واگذار می شود، باقی سهام نیز در بورس عرضه یا به صورت بلوک به بخش خصوصی واگذار خواهد شد. معاون واگذاری سازمان خصوصی سازی با اشاره به این که در مرحله اول واگذاری سهام عدالت به دو دهک پایین درآمدی جامعه که حدوداً ۱۴ میلیون نفر هستند سهام داده می شود، خاطرنشان کرد: اگر سهامی بود به سایر افراد داده خواهد شد که آن را هم ستاد راهبردی اجرای سیاست های اصل ۴۴ مشخص خواهد کرد.

اوپک توانایی جبران قطع تولید نفت آلاسکا را ندارد

ایسنا: نماینده ایران در سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) اعلام کرد که نفت تولیدی این سازمان برای جبران قطع جریان تولید شرکت بی پی در آلاسکا مناسب نیست. حسین کاظم پوراردبیلی- عضو ایرانی هیات عامل اوپک- اظهار داشت: این یک اتفاق ناخوشایند است که در زمان نامناسبی اتفاق افتاده است و چشم انداز مناسبی برای تداوم تولید نیز وجود ندارد. وی افزود: با وجودی که اوپک تمام تلاش خود را به کار می بندد، متاسفانه نفت خام مازاد سبک شیرین با کیفیت در میان اعضای اوپک تولید نمی شود. اظهارات نماینده کشورمان در اوپک در حالی صورت می گیرد که شرکت بریتیش پترولیوم روز یکشنبه تولید روزانه ۴۰۰ هزار بشکه از یکی از بزرگترین میادین نفتی آمریکا را به دلیل نشتی در خط لوله تعطیل کرده است. در پی اعلام شرکت بی پی مبنی بر قطع جریان تولید میدان نفتی پرودو در آلاسکا، بهای سبد نفتی اوپک نیز برای نخستین بار از مرز ۷۲ دلار گذشت و در آخرین ساعات کاری روز گذشته میانگین بهای سبد نفتی این سازمان به ۷۲ دلار و ۶۴ سنت رسیده است. در حالی که برخی از اعضای اوپک برای جبران نفت از دست رفته در بازار اعلام آمادگی کرده اند، کاظم پور در مورد توانایی اوپک برای ایجاد تغییر در شرایط فعلی ابراز تردید کرد. او در این باره به شبکه خبری داوجونز گفت: اوپک در حال حاضر چه کاری می تواند انجام دهد؟ به خصوص در زمانی که از نفت خام سبک شیرین مازاد برای عرضه به بازار برخوردار نیست.

اختصاص ۸۰۰ میلیون دلار اعتبار فاینانس برای طرح های تامین آب

موج: معاون وزیر نیرو در امور آب در مراسم تجلیل از خبرنگاران رسانه ها گفت: امسال برای اولین بار در تاریخ مدیریت آب کشور، ۸۰۰ میلیون دلار اعتبار به صورت فاینانس برای طرح های تامین آب در نظر گرفته شده است. به نقل از شبکه خبری آب ایران، دکتر رسول زرگر با اعلام این مطلب افزود: با فعالیت های مستمری که در چهارماه گذشته در این زمینه انجام شد، ۱۲ طرح شامل ۱۰ سد و دو نیروگاه برقابی به عنوان استفاده کننده ها از اعتبار فاینانس انتخاب شده اند که تا پایان دی ماه، مناقصه آنها برگزار خواهد شد. وی طرح های انتخاب شده را طرح های مهمی دانست که مطالعات آنها به پایان رسیده و آماده اجرا هستند و افزود: استفاده از اعتبار فاینانس در بخش آب کشور بی سابقه است. مدیرعامل شرکت مدیریت منابع آب ایران همچنین با اعلام خبر اختصاص سه میلیارد دلار اعتبار برای مدت سه سال به بخش آب کشور برای جبران فاصله احداث طرح های سد و شبکه گفت: با تاکید رئیس جمهور این امر محقق شده است و امیدواریم با برنامه ای که در این زمینه تهیه شده و با احداث ۵۰۰ هزار شبکه آبیاری اصلی و ۵۰۰ هزار هکتار نیز شبکه فرعی، حدود ۶۰ درصد از شکاف موجود بین طرح های سدسازی و شبکه های آبیاری آنها پر شود. دکتر زرگر افزود: برای جبران کسری اعتبارات بخش آب کشور در بودجه سال ۱۳۸۵، متمم بودجه ۱۰ هزار میلیارد ریالی نیز تهیه شده و به سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور فرستاده شده است. معاون وزیر نیرو در امور آب در ادامه در پاسخ به سئوالات خبرنگاران، مقابله با بحران آب در ۲۰ سال آینده را فقط با استمرار مدیریت تقاضا در کشور امکان پذیر دانست و گفت: تاکنون رویکرد مدیریت عرضه حاکم بوده است ولی برای مقابله با مشکلات فعلی و آتی، استقرار سیستم مدیریت تقاضای آب ضروری است. دکتر زرگر در پاسخ به سئوال یکی از خبرنگاران درباره دغدغه های شخصی اش به عنوان مدیر آب کشور گفت: خدشه دار شدن مدیریت و حکمرانی یکپارچه منابع آب، به ویژه با اتفاقاتی که در پنج شش ماه گذشته رخ داده است، باعث نگرانی و دغدغه خاطر من شده است. معاون وزیر نیرو در امور آب افزود: مدیریت حوضه آبریز یکی از کلیدهای طلایی مدیریت آب است. ولی ما با تشکیل شرکت های آب استانی، از مدیریت حوضه آبریز فاصله گرفته ایم. البته با تشکیل معاونت حوضه های آبریز در ستاد امور آب کشور، درصدد هستیم تا از تاثیرات منفی این مسئله بکاهیم.

موقعیت و معضلات کارگاه های کوچک تولیدی در ایران

داود خدابخش: حدود ۶۵ درصد تولیدات در ایران به طور سنتی به دست کارگاه های تولیدی کوچک صورت می گیرند. این کارگاه ها در ایران شاید به همین میزان اشتغال زایی دارند. طاهره درودگر از مسئولان کارگاه تولیدی وسایل ورزشی، می گوید: «کارگاه های کارخانجات بزرگ از اوایل دهه پنجاه شروع به رشد کردند. و بعد از انقلاب این میزان رشد و تولید در ابعاد بزرگ تا اندازه ای متوقف شد. البته تولیدات بزرگ بار دیگر شروع شده، ولی هنوز هم این کارگاه های کوچک هستند که بخش عظیم نیروی کارگری را به کار گمارده اند.» باید اشاره کنیم که کارگاه «ورزش کوه» با ۱۷ کارگر ۳۰ سال پیش، یعنی در اواسط دهه پنجاه آغاز به کار کرد و از آن تاریخ تاکنون فراز و نشیب های بسیاری را از سر گذرانده است. درودگر در مورد مشکلات این نوع کارگاه های کوچک و موانعی که بر سر رشد آنها وجود دارند تا بتوانند از کارگاه کوچک به کارگاه متوسط و بزرگتر ارتقا یابند، می گوید: «در اقتصاد کشورها نیاز به این نیست که کارگاه های کوچک حتماً تبدیل به کارگاه های بزرگتر شوند. در بسیاری از کشورها کارگاه های کوچک می توانند با حفظ خود و با تولید در کیفیت بالا، با تکنولوژی مناسب و به روز باقی بمانند و همان اشتغال زایی را داشته باشند. کارخانجات بزرگ با نام های معروف در واقع تولیدشان جمع آوری قطعات تولیدشده در همین کارگاه های کوچک است و آنها تنها قطعات را مونتاژ می کنند و این تبدیل به یک اسم (مارک) می شود. بنابراین نیاز نیست که این کارگاه ها بزرگ شوند، بلکه نیاز در این است که تولیداتشان به روز باشد.» وی پیرامون مشکلات این کارگاه ها می افزاید: «مشکلات البته در ایران بسیار است، ولی مشکلات اساسی دو دلیل دارند. یکی عدم ثبات قوانین است که خیلی کارگاه ها را اذیت می کنند، چون هر روز کارگاه ها با یک مورد جدید برخورد می کنند و نمی توانند یک برنامه ریزی درازمدت برای کارشان داشته باشند. مورد دوم اینکه، با مشکلاتی که هست، نمی توانند ماشین آلاتشان را به روز بکنند. بنابراین اگر هم بتوانند تولیداتشان را با کیفیت ارائه بدهند، ولی قادر نیستند کمیتی که متناسب با آن کیفیت باشد، عرضه دارند. در واقع عمر مفید ابزار در خارج از کشور پنج سال است، ولی ما به دلیل وجود مشکلات با ابزار سی سال پیش باید کار کنیم.» در اینکه چه تغییراتی باید رخ دهند که بتوان این موانع را از سر راه برداشت، درودگر می گوید: «به نظر من باید مشخص شود که نگرش دولت نسبت به اقتصاد و تولید چگونه است. نگرش دولت، یا هر دولت دیگری، می تواند متوجه هر دو بخش باشد: یعنی تولید هم در ابعاد بسیار بزرگ و هم تولید در ابعاد کوچک. اینها هر کدام برای خودشان عملکرد ویژه دارند. تولید در کارگاه های کوچک مثل حرکت و سرعت عمل موتورسیکلت در یک ترافیک بسیار سنگین است. آن موتورسیکلت می تواند راهش را پیدا بکند، به شرطی که مورد حمایت قرار گیرد. ولی متاسفانه قوانینی که وضع می شوند، بیشتر با نگرش به کارخانجات بزرگ و نگرش به شرکت هایی است که اینها مسائل و مشکلاتشان با کارگاه های کوچک متفاوت است. به همین خاطر است که کارگاه های کوچک در ایران به جای اینکه بتوانند خودشان را در شرایط اقتصادی سخت حفظ کنند، در عمل اولین خاکریز شکست هستند. سریع دچار مشکل می شوند و بعد یا مخفی شده، یعنی تبدیل به کارگاه های زیرزمینی می شوند، یا اینکه از بین می روند و کارگرانشان از این کارگاه می روند و یا اخراج می شوند و خود تولیدکنندگان تبدیل می شوند به تجار چمدانی. یعنی با پولی که از بازگشت فروش ابزار کارشان به دست آورده اند، به چین و دبی می روند و تبدیل می شوند به یک واردکننده جزء. بنابراین یک کارگاه با ۱۷ تا ۲۰ نفر پرسنل می تواند خیلی به آسانی ناپدید شود.» واقعیت اینجاست که دولت باید این بخش از اقتصاد کشور را بیش از اینها جدی گیرد. مشکل دیگر این کارگاه ها فروش محصولاتشان است و از نظر خانم درودگر فروش محصولات رگ حیاتی این دسته از کارگاه هاست. وی می افزاید: «وقتی امکان دسترسی به بازار برای همه واحدها به یک میزان نیست، بنابراین اینها در رقابت با واردکنندگان بدون ضابطه از مناطق آزاد، خیلی زود شکست می خورند. به همین جهت بسیاری از این کارگاه ها دارند از بین می روند و به خیل عظیم بیکاران افزوده می شود، بدون اینکه یک آمار واقعی از آنها باقی مانده باشد.» باید گفت که براساس گزارش های متعدد در رسانه های ایران موج بیکاری کارگران رو به تشدید است. از نظر درودگر این موج بیکاری را باید به دو بخش تقسیم کرد: «یک بخش مربوط به اخراج کارگران از کارخانجات بزرگ است و بیشتر ناشی از این احساس نگرانی است که تولیدی که صورت می گیرد نتواند آن سرمایه و یا سود لازم را برگرداند. قاعدتاً کارفرمایان صبر نمی کنند تا دچار شکست و ورشکستگی بشوند. آنها همان اول جلوی هزینه ها را می گیرند و ساده ترین کار اخراج کارگرانی است که بیشتر به صورت قراردادی استخدام شده اند. اینها آمارش در دست است. ولی یک آمار نهفته ای هم هست که این آمار در جایی ثبت نشده است و آن اخراج تعداد زیادی کارگر در مشاغل مختلف است که در کارگاه های کوچک کار می کردند. آن آماری که شما بدان اشاره دارید، تنها متعلق به کارخانجات بزرگ است که کارگرانش به وزارت کار رجوع می کنند و غیره. ولی از تعطیلی کارگاه های کوچک کسی آماری ندارد.» در مورد اینکه آیا کارگاه تولیدی کوچک او نیز در حوزه این خطر اخراج کارگران می تواند قرار گیرد، می گوید: «مسلماً. ما تافته جدا بافته ای از جامعه خودمان نیستیم. ما سعی خودمان را می کنیم، حتی به قیمت از دست رفتن سرمایه ثابت مان. ولی ما هم تا اندازه ای توان این را داریم که کارگران مان را نگاه داریم. قاعدتاً وقتی می بینیم داریم رو به نیستی می رویم، خب، مجبوریم اخراج کنیم. یا اینکه اصلاً خودشان می گذارند و می روند. وقتی کارگاه کوچک حتی امکان بازپرداخت حقوق شان را نداشته باشد، آنگاه کارگر نمی تواند سرپا بایستد.»

به نظر می آید کارگاه های کوچک دارای تشکلی برای حفظ خود و یا دفاع از موجودیت خود نیستند. به باور درودگر یک راه حل در این زمینه می تواند ایجاد کمیته های تعامل سه جانبه نمایندگان دولت، کارفرمایان و کارگران باشد که در کشورهای صنعتی به ویژه در شرایط بحرانی، همواره به کمک اقتصاد کشور آمده است. وی می گوید: «یکی از راه هایی که می تواند پیشنهاد کرد، تعامل بین دولت و کارفرماها و کارگران است. و این تعامل فقط در چارچوب مذاکرات مستقیم دولت و انجمن های صنفی کارفرمایی و انجمن های صنفی کارگری ایجاد می شود. اینها باید بنشینند و مشکلات را با هم بررسی کنند و راه حل های آن را پیدا کنند. ما تجربه ژاپن را داریم. ژاپن چند سال پیش دچار افت شدید اقتصادی شد و تولید ناخالص ملی اش به شدت پایین آمد و آنها دچار مشکل بودند. فقط با همین رویکرد تعامل، دولت ژاپن توانست کشور را از این خطری که تهدیدش می کرد، نجات بدهد. در ایران نیز وضع به همین صورت است. هیچکس نمی تواند به تنهایی برای کل جامعه تصمیم بگیرد. مشکلات را باید با تعامل حل کرد. راه حل ها را هم خود کسانی که درگیر ماجرا هستند، بهتر پیدا می کنند. به شرطی که از آنها خواسته شود، در یافتن راه حل ها کمک کنند. اگر کسی خودش پیشنهاد راه حل را بدهد، مسلماً خودش هم در اجرای آن فعالیت خواهد کرد. مسلماً اگر سندیکاها یا انجمن های کارگری خودشان در وضع قوانین دخالت داشته باشند، مسلماً هم در اجرای آن خودشان کمک خواهند کرد. به نظر من در شرایط سخت اقتصادی که امروز گریبانگیر ملت ما شده، در یک تعامل سه جانبه، یعنی تولیدکننده، کارگر (به عنوان نیروی کار) و دولت (به عنوان حافظ منافع مردم) باید با هم بنشینند و مسائل را حل کنند.»

ولی یک عامل مهم دیگر رکود اقتصادی در ایران عدم اعطای امکانات برابر اقتصادی و شغلی برای همه شهروندان ایرانی است. درودگر می گوید: «همگان از امکان برابر برای به دست آوردن بازار و امکان کار کردن بهره مند نیستند. این مسئله بسیار آزاردهنده است. کسانی که سرمایه دارند و علاقه مند به تولید هستند، خودشان را کنار می کشند، زیرا می دانند که برای موفقیت در تولید یا باید ایجاد رابطه بکنند و یا اینکه خودشان را کنار بکشند. و آنها خودشان را کنار می کشند. این مسئله ای است که دولت باید از آن حفاظت کند و امکان به دست آوردن فرصت های برابر را به همه مردم بدهد. هرکسی که می خواهد سرمایه خود را (سرمایه همیشه پول نیست، بعضی وقت ها دانش است، بعضی وقت ها توان سازماندهی است) [بگذارد، دولت هم باید] اینها را در جهت توسعه اقتصادی به خدمت بگیرد؛ که توسعه فرهنگی و غیره را هم به همراه خواهد آورد.»

منبع: دویچه وله

۱۲۴ روز مانده تا افتتاح

متن زیر پاسخ «پارک فناوری پردیس» به شرق است که در پی می آید: روز سه شنبه سوم مردادماه مطلبی با عنوان «نگاهی به پروژه ایجاد پارک های فناوری در کشور؛ نقطه تقابل» در صفحه اقتصادی به چاپ رسید که به تشریح تاریخچه ای از پارک های فناوری کشور و مقایسه آن با دنیا و پس از آن به نقل از مصاحبه ای از دکتر محمدرضا حائری مدیرعامل محترم مگفا پرداخته است. در این گزارش مطالب خلاف واقع نیز به برخی دستگاه ها از جمله پارک فناوری پردیس نسبت داده شده که مقصود مطلب حاضر تحلیل علمی و کارشناسی آن نیست چه اینکه مطلب اصلاً از پایه های علمی لازم برخوردار نیست و تنها به بیان برخی تناقضات و ایرادات آن می پردازیم. هرکسی که کمترین آشنایی را با مفهوم توسعه و فناوری های نوین داشته باشد، به جایگاه ویژه پارک های فناوری در نظام ملی نوآوری هر کشور آگاه است و البته از همین رو پرداختن شرق به این موضوع که می تواند فتح بابی برای نقادی و شفاف سازی ادبیات پارک های فناوری باشد، قابل تقدیر است، مشروط به اینکه با نگاهی تیزبین همه ابعاد و جوانب این موضوع طی سلسله مطالبی روشن شود. همانطور که در گزارش فوق الذکر اشاره شد، اهمیت پارک های فناوری بر هیچ کس پوشیده نیست و گسترش این مفهوم در سال های اخیر در دنیا و اقبال بیش از پیش دولت های مختلف به آن نشان از این موضوع دارد که این پارک ها جایگاه ویژه ای در زنجیره نظام ملی نوآوری یافته اند. از تعداد پارک های فناوری دنیا تا به حال اطلاعات و آمارهای متفاوتی منتشر شده است، اما براساس آخرین آمار رسمی AURP در سال ۱۹۹۸ حدود ۸۰۰ پارک در دنیا وجود داشته که ۵۴ مورد آن متعلق به کشور چین بوده است. البته چین از همان زمان به دنبال ایجاد پارک های دیگری نیز بوده، اما ای کاش نگارنده محترم گزارش، منبع خبری به ثبت رسیدن بیش از ۲۰۰ پارک فناوری در چین را نیز اعلام می کردند، چرا که پارک فناوری موجودیتی قارچ گونه ندارد که تنها با آماده شدن فضا به سرعت به رشد بپردازد. نکته جالب تر رشد سالانه ۳۰ درصدی اقتصاد چین است که در این گزارش پارک های فناوری علت آن اعلام شده اند. قطعاً اگر این گزارش به چینی هم ترجمه شود سبب خرسندی دولتمردان چینی خواهد شد، چرا که براساس آخرین آمارهای خودشان در تمام سال های گذشته رشدی بیشتر از ۹ درصد نداشته اند. با این پیش فرض نگارنده محترم نگاهی نقادانه به اینکه «در شرایطی که کشورهای پیشرفته هر روز خود را به ابزار پارک های فناوری مجهز می کنند، در ایران هنوز بر سر اینکه کجا و کی این پارک ها را راه اندازی کنیم اما و اگر وجود دارد» داشته اند. حال آنکه به نظر می رسد یکی از مهم ترین نکاتی که در ایجاد پارک های فناوری باید مدنظر قرار گیرد و شاید مهمترین نقطه ضعف پارک های کشور و پاشنه آشیل پارک های شکست خورده در جهان به حساب می آید، همین است که مطالعات دقیق و جدی در این زمینه صورت نگرفته و تنها براساس موجی که به تب پارک شهرت دارد به سمت ایجاد آن رفته ایم. مرحله ای که دنیا و کشورهای پیشرفته آن را در دهه هشتاد پشت سر گذاشته اند و هم اکنون با نگاه موشکافانه و تحلیلی به موضوع ایجاد پارک های فناوری می پردازند. در بخش دیگری از این گزارش نگارنده موضوع و هدف پارک های فناوری را صرفاً در حوزه IT خلاصه کرده است. از همین موضوع استفاده شده و بی ثمر بودن پارک های فناوری در کشور ما به کثرت مراکز تصمیم گیری در حوزه IT نسبت داده شده است.

اما براساس آمارهای IASP (انجمن بین المللی پارک های فناوری) ICT ۲۶ درصد، بیوتکنولوژی ۲۰ درصد، الکترونیک و کامپیوتر ۱۹ درصد، صنایع غذایی ۹ درصد، محیط زیست ۸ درصد، مواد جدید ۶ درصد، داروسازی ۵ درصد و سایر موضوعات ۷ درصد پارک های فناوری را تشکیل می دهند، پس مشکل پارک های فناوری از کثرت مراکز تصمیم گیری در حوزه IT (هر چند که خود این مسئله مشکلاتی را در کل کشور ایجاد کرده است) نیست و باید ایراد را در جای دیگری جست. اما تحلیل تاریخی گزارش هم خالی از اشکال نیست. چه، ایده تاسیس پارک های فناوری در کشور به اواخر دولت گذشته نسبت داده شده در حالی که از سال ها پیش این ایده در شهرک ها و پارک هایی که شکل گرفتند دنبال می شد که می توان از میان آنها به شهرک علمی تحقیقاتی کاوش (۱۳۶۸)، شهرک علمی و تحقیقاتی اصفهان (۱۳۷۲)، پارک فناوری پردیس (۱۳۸۰) و تغییر ماموریت ۹ دفتر سازمان پژوهش های علمی و صنعتی در مراکز استان ها به پارک فناوری (۱۳۸۱) اشاره کرد. در ادامه مطلب به نقش وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در شکست پارک های فناوری پرداخته شده و «به دنبال بخش نرم افزار بودن این وزارتخانه» و ندانستن «آنچه براساس آن محصول تولید می شود» به عنوان علل آن بیان شده و ناگهان در اظهارنظری شگفت انگیز، پارک فناوری پردیس به عنوان محصول بی حاصل فعالیت های وزارت ICT برشمرده شده که بخش های دیگری از دولت از جمله دفتر همکاری های فناوری ریاست جمهوری و دانشگاه صنعتی شریف آن را ایجاد می کنند. اولاً نگارنده مشخص نکرده اند که محصول وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات چگونه به یک باره سر از دفتر همکاری های فناوری ریاست جمهوری و دانشگاه صنعتی شریف درمی آورد. ثانیاً از کجا به بی حاصلی پارک فناوری پردیس پی برده اند و اصلاً این محصول که دنبالش می گردند چیست؟ چگونه ممکن است پارکی بی حاصل باشد و از بین بیش از سیصد تقاضای عضویت، بیش از هفتاد شرکت از موفق ترین و بهترین شرکت های بخش خصوصی فعال در حوزه فناوری پیشرفته با گزینش جدی به عضویت آن درآیند و به سرمایه گذاری چند ده میلیارد تومانی در آن بپردازند؟ احتمالاً نگارنده در این زمینه با ما هم عقیده هستند که شرکت های بخش خصوصی سهمی از درآمد نفتی بخش های دولتی ندارند که آن را بی مطالعه و نسنجیده به دور بریزند. حتی اگر بخواهیم از دید کاملاً سخت افزاری هم به مسئله نگاه کنیم، همه کسانی که یک بار از جاده تهران- دماوند عبور کرده اند، روبه روی شهر جدید پردیس و در سمت جنوب جاده ساختمان هایی را با معماری های خاص دیده اند که هر کدام به مرکز تحقیقات یک شرکت اختصاص دارد و تماماً با سرمایه گذاری بخش خصوصی در حال ساخت است. واقعیت این است که هیچ ارتباط ارگانیکی میان وزارت ICT و دفتر همکاری های فناوری ریاست جمهوری و دانشگاه صنعتی شریف برای ایجاد پارک فناوری پردیس وجود نداشته است. مسئله به همین جا ختم نمی شود، پارک فناوری پردیس در سه جای گزارش به سه مجموعه مختلف نسبت داده شده است؛ وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، ریاست جمهوری و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. درست دو پاراگراف پایین تر از جایی که پردیس به وزارت ICT منتسب شده و ناگهان سر از ریاست جمهوری درآورد، تنها اقدام عملی وزارت علوم در مسیر ایجاد پارک های فناوری، راه اندازی پارک فناوری پردیس عنوان می شود، اگرچه به گفته نگارنده: «این پارک بعدها کارایی خود را از دست داد و تنها در حد ثبت دامین باقی ماند و اهدافی که در سایت اش (ذکر شده) رنگ شعار به خود گرفته است.» ای کاش نگارنده حتی به صورت عبوری هم که شده از کنار پارک عبور می کردند و می دیدند که همین پارکی که در حد ثبت دامین باقی مانده- احتمالاً به دلیل از دست دادن کارایی- زمین های ۲۰ هکتار فاز اولش (پردیس نوآوری) تمام شده و به خاطر استقبال شرکت ها، واگذاری ۱۸ هکتار فاز دومش (پردیس دانش) را آغاز کرده است. البته وجود وب سایت www.techpark.ir به عنوان مهمترین و فعال ترین مرجع اینترنتی پارک های فناوری در کشور که تمام اطلاعات مربوط به پارک فناوری پردیس و اطلاعات و مقالات علمی پارک ها را در خود جای داده است و به صورت کاملاً شفاف و آزاد در اختیار مخاطبین قرار می دهد، باعث مباهات و سربلندی است (خصوصاً با تاکیدی که گزارش شرق بر روی دولت الکترونیک و E-learning دارد)، ولی شاید کار کمی از حد شعار فراتر رفته باشد. جالب تر اینکه مصاحبه شونده محترم نمونه بارز پارک های فناوری را دبی اینترنت سیتی معرفی می کنند، حال آنکه هرچند پارک های فناوری باید نگاه به توسعه کسب و کار و تولید ثروت داشته باشند، اما خروجی پارک های فناوری ماهیتی از جنس دانش و فناوری دارد که این دانش و فناوری در خدمت توسعه کسب و کار است و به همین دلیل، اینترنت سیتی با هیچ تعریفی (غیر از تعریف خود اماراتی ها) یک پارک فناوری به حساب نمی آید، بلکه تنها یک Business Park است که همانطور که در گزارش اشاره شده دفاتر تجاری شرکت ها را در خود جای می دهد. اساساً کشور امارات ماهیت فناورانه ندارد که بخواهد از پتانسیل های موجود در آن استفاده کند و پارک فناوری ایجاد کند. مزیت آنها تنها مزیت تجاری است. نکته دیگر اینکه در جای جای مصاحبه این ادعا مطرح شده که تمام برنامه های مربوط به پارک های فناوری پس از روی کار آمدن دولت نهم تعطیل شده و در هاله ای از ابهام قرار گرفته است. قطعاً این ادعا را در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور با اطلاعات و آمار دقیق تری پاسخ خواهند گفت و ما نیز قصد آن را نداریم، اما از موضع یک دست اندرکار ایجاد پارک فناوری می توان این ادعا را در مورد پارک های فناوری به کلی مردود دانست، چراکه پارک های فناوری بیشترین رشد خود را در دو تا سه سال اخیر داشته اند و همواره حرکت رو به جلوی خود را دنبال کرده اند و اتفاقاً بسیاری مجموعه ها، دانشگاه ها و استان ها به دلیل همین پیشرفت، به فکر ایجاد پارک فناوری افتاده اند که اگر مقاومت دستگاه های مسئول نباشد شاید آمار آنها از صد مورد هم تجاوز کند. اما جالب ترین موضوع در صحبت های مصاحبه شونده محترم این است که برای اینکه بتوانند طرح پارک مگفا را از بلاتکلیفی موجود رهایی ببخشند، تلاش می کنند که همه پارک های فناوری دیگر را بی حاصل و یا تعطیل نشان دهند و طرح مگفا را «تنها طرح زنده پارک های فناوری»، «تنها بازمانده ایده پارک های فناوری» و . . . معرفی کرده اند تا بلکه موضوع طرح پارک IT مگفا در نظر مدیران سازمان گسترش و نوسازی مهم جلوه کند و شروع به کار آن و بودجه ۵۰ میلیون دلاری آن به تصویب برسد. جالب است که چگونه طرحی را که هیچ گاه از حد مطالعات مقدماتی فراتر نرفته و حداکثر به قول ایشان RFP آن آماده شده است را یک طرح زنده و پویا و بلکه تنها طرح زنده و پویا می دانند؟ شاید به نظر ایشان هرچه پول بیشتری در مجموعه ای خرج شود- فارغ از نوع هزینه کرد- آن مجموعه زنده تر و پویاتر است.

تناقض این گفتار در خود مصاحبه مشهود است، آنجا که پارک IT مگفا تنها طرح زنده پارک های فناوری معرفی می شود و چند خط بالاتر و چند خط هم پایین تر از آن اذعان می شود که طرح مگفا در حالت بلاتکلیفی به سر می برد و در انتظار تصمیم گیری و تعیین تکلیف توسط مدیران جدید سازمان گسترش است. خواندنی های دیگری نیز در این مصاحبه وجود دارد، از جمله اینکه گفته شده «پارک های فناوری ارتباط مستقیم با طرح دولت الکترونیک دارند» و یا اینکه «پارک های فناوری می توانند به تولید محصولات E-learning کمک ویژه ای بکنند.» البته رشد و توسعه پارک های فناوری به تمام عرصه ها و فعالیت های صنعتی و فناورانه کشور کمک می کند، اما برای ما هم جالب و آموزنده است که توضیح داده شود چه ارتباط ارگانیکی میان طرح دولت الکترونیک و یا E-learning با پارک های فناوری وجود دارد و در کجای اهداف پارک ها چنین چیزی تعریف شده است. احتمالاً نگارنده و مصاحبه شونده محترم هم با ما هم نظر هستند که پارک های فناوری وظیفه حل همه مشکلات کشور را ندارند و اصلاً چنین توانی هم ندارند و تنها حلقه ای از زنجیره نظام ملی نوآوری هستند. نکته دیگری که شاید برای مدیران پارک IT مگفا و مخاطبین و صاحبنظران قابل توجه باشد این است پروژه پارک فناوری پردیس - برخلاف روال معمول در کشور- با سرمایه گذاری و اعتماد بخش خصوصی و بدون پشتوانه مالی اولیه دولت آغاز به کار کرد و تا پایان راه نیز بیش از ۷۰ درصد سرمایه گذاری را بخش خصوصی انجام خواهد داد. در ادامه نیز دستگاه ها، دانشگاه ها و موسسات مختلفی در کنار کار قرار گرفتند و از همین رو ترکیب هیات امنای پارک از نهادهای مختلفی مانند وزارت نفت، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، دفتر همکاری های فناوری، دانشگاه صنعتی شریف، دانشگاه علوم پزشکی تهران، سازمان سرمایه گذاری و کمک های فنی و اقتصادی ایران و . . . به ریاست معاون اول رئیس جمهور تشکیل شد. هم اکنون نیز از میان شرکت های عضو پارک بیش از ۴۰ شرکت کار ساخت واحدهای تحقیقاتی خود را آغاز کرده اند و تا پایان تابستان حداقل ۵ شرکت به صورت کامل در پارک مستقر خواهند شد. پایان سخن اینکه پارک فناوری پردیس با افق تبدیل شدن به بزرگترین منطقه فناوری غرب آسیا در پایان چشم انداز ۲۰ ساله کار خود را آغاز کرده و در آغاز راهی دراز قرار دارد. از این رو از تمام رسانه های جمعی به عنوان نماینده و ناظر از سوی افکار عمومی به صورت رسمی دعوت می شود تا دوازدهم آذرماه، در مراسم آغاز به کار رسمی پارک فناوری پردیس شرکت نمایند. تابلوی روزشمار پارک فناوری پردیس شمارش معکوس اش را آغاز کرده؛ ۱۲۴ روز مانده تا آغاز بهره برداری.

خبرها

دستور رئیس جمهور برای بازپس گیری شکایات وزارت صنایع از مطبوعات

شرق: رئیس جمهور در جلسه سه شنبه شب با خبرنگاران دستور به پس گرفتن شکایات وزارت صنایع و معادن از روزنامه ها داد. در ضیافت شام دکتر احمدی نژاد که به مناسبت روز خبرنگار ترتیب یافته بود خبرنگار روزنامه جهان اقتصاد به رئیس جمهور اعلام کرد: وزیر صنایع دولت شما به خاطر درج گزارشی در مورد افزایش تعرفه گوشی تلفن همراه از جهان اقتصاد شکایت کرده است. احمدی نژاد نیز به رئیس دفتر خود گفت: فردا به آقای طهماسبی زنگ بزنید و به نقل از من از ایشان بخواهید که شکایت روزنامه جهان اقتصاد را پس بگیرند. پس از شام یکی دیگر از خبرنگاران حاضر در این نشست به رئیس جمهور یادآور شد که وزارت صنایع و معادن از روزنامه شرق و چند روزنامه دیگر نیز شکایت کرده است. به دنبال آن احمدی نژاد بار دیگر به غلامحسین الهام گفت: شکایت از روزنامه ها، صورت خوبی ندارد. به خصوص اینکه به خاطر مسائل اقتصادی باشد. فردا با آقای وزیر (وزیر صنایع و معادن) صحبت کنید و بگویید مسائل را از طریق گفت وگو حل کنند. به آقای طهماسبی بگویید به خاطر روز خبرنگار از شکایت های خود صرف نظر کند. به این ترتیب احتمال می رود اداره کل حقوقی وزارت صنایع و معادن در روزهای آینده سه شکایت خود از روزنامه شرق و دیگر شکایات از روزنامه ها را که در دادستانی تهران ثبت شده پس خواهد گرفت.

نرخ تورم دقیق است

متن زیر پاسخ روابط عمومی بانک مرکزی به یکی از اخبار منتشره در روزنامه است که به نقل از یکی از سایت های خبری چاپ شده بود. بازگشت به مطلب مندرج در روزنامه شرق مورخ ۱۳۸۵/۵/۸ تحت عنوان «هشدار نسبت به انحراف در اعلام نرخ تورم» از قول یکی از صاحب نظران اقتصادی کشور (متاسفانه بدون ذکر نام) مطلبی در مورد چگونگی محاسبه نرخ تورم آورده شده است که ادعایی کاملاً غیرعلمی می باشد. توجه کارشناس محترم را به توضیحات ذیل جلب می کند: صاحب نظر اقتصادی در مطلب خود عنوان کرده است: «بانک مرکزی در اقدامی بی سابقه، برخی از اقلام موثر در سبد هزینه خانوار را که رشد شدیدی داشته اند، برای پایین نشان دادن نرخ تورم، حذف کرده است که مهمترین آن هزینه اجاره مسکن بوده که با رشد ۲۴ درصد. . .» لازم به توضیح می باشد که تغییرات اجاره واحدهای مسکونی همواره در شاخص تورم منظور می گردد و در سال گذشته رشد اجاره واحدهای مسکونی ۱۴/۴ درصد بوده است و معلوم نیست رشد ۲۴ درصد «هزینه اجاره مسکن» را صاحب نظر اقتصادی از چه منبعی اخذ کرده است. ضمناً در مورد دیگر اقلام موثر توضیح داده نشده است. لازم به ذکر است که برای محاسبه شاخص تورم هرماهه قیمت ۳۱۰ قلم کالا و خدمت از مناطق شهری کشور جمع آوری می شود و بر مبنای تغییرات قیمت و با احتساب وزن آنها این شاخص محاسبه می گردد و در هیچ زمان هیچ یک از اقلام چه افزایش قیمت و چه کاهش قیمت داشته باشند از محاسبه شاخص تورم خارج نمی گردند. توجه صاحب نظران اقتصادی را در مورد تغییرات قیمت